

## سوره «لقمان» (۳۱)

سوره «لقمان» همانند دو سوره قبل (روم و عنکبوت)، که آنها نیز با حروف مقطعه «الم» شروع می‌شوند، به نیمه دوم دوران مکه (سالهای ۶ تا ۱۳) تعلق دارد! همانطور که قبلاً گفته شد، مشخصه این دوران علنی شدن و وسیع دعوت<sup>۲</sup> و برخورد شدید مشرکین با مسلمین می‌باشد. تکذیب کنندگان پیامبر تنها در بُعد عملی به شکنجه و آزار و محدود و محبوس ساختن مسلمانان نمی‌پرداختند بلکه در بُعد اعتقادی نیز مبانی توحیدی آنها را زیر سؤال می‌بردند، بنابراین سوره‌های نازل شده در این دوره از یک طرف رنگ صبر و مقاومت و امید به آینده و وعده پیروزی و نصرت دارد، از طرف دیگر رنگ منطقی و استدلال و حجت در برابر افکار و نظریات شرک‌آمیز حاکم، که تدبیر و ربوبیت عالم را به غیر خدا نسبت می‌دادند.

در این سوره (در مقایسه با دو سوره قبل) توجه و تمرکز عمدتاً روی محور دوم یعنی مسائل اعتقادی قرار دارد و با مبنای «توحید» اعتقادات مشرکین را رد می‌کند. آنچه باعث رویگردانی مردم از آیات خدا و پیام رسول (ص) شده در دو خصلت خلاصه می‌شود:

۱- روحیه استکبار سرکردگان ظالم (ومن الناس من یشتري لهوالحدیث لیضل عن سبیل الله بغير علم... واذا تتلى علیه آیاتنا ولی مستکبراً...)

۲- روحیه تقلید و پیروی از اعتقادات آباء و اجدادی (من الناس من یجادل فی الله بغير

---

۱. بنا به دستور «اندر عشیرتک الاقرین» پیامبر در سالهای نخست دعوت خود را از نزدیکان و بستگان شروع کرد.

۲. ۱۰ آیه مقدمه این سوره در سال ۶ بعثت و بقیه آن در سال ۱۲ بعثت نازل شده است. (برحسب جدول مربوطه در کتاب سیر تحول قرآن)

علم ولا هدی ولا کتاب منیر و اذا قیل لهم اتبعوا ما انزل الله قالوا بل نتبع ما وجدنا علیہ آباءنا...

خصلت هر دو دست‌رهبان گمراه و پیروان مقلد، نادانی (بغیر علم) است. گروه اول از آنجائی که اعتقاد به توحید با منافع طبقاتی آنها و استمرار ظلم و بهره‌کشی تضاد دارد استکبار به خرج داده در برابر تلاوت آیات با کمال بی‌اعتنائی و تحقیر، به گونه‌ای وانمود می‌کنند که اصلاً آن را نشنیده‌اند (کان لم یسمعها کان فی اذنیه و قرأ) این جمع تاجر پیشه و سرمایه‌دار، همانطور که از شام و هند و ایران و... متاع تجارتنی وارد کرده و بازار خود را در مکه رونق می‌بخشیدند، متاع فرهنگی نیز وارد می‌کردند (و من الناس من یشتری لهو الحدیث) تا با داستانهای از قبیل رستم و سهراب و... هم خود را روشن‌فکر<sup>۱</sup> و جهان‌نیده و فرهنگ شناس جا بزنند، و به این وسیله خودخواهی و برتری جوئی خود را ارضاء نمایند و هم توده مردم را از توجه به راه خدا و سخنان پیامبر بازدارند. (لیضل عن سبیل الله)

دسته دوم که در هر دوره و زمانه‌ای از این قماش فراوان‌اند، خیل عوام الناس هستند که از خود نقش و اراده و شخصیتی ندارند، همچون پر کاهمی، یا بفرموده علی (ع) پشه‌های سبکی تابع هر شعار دهنده و متمایل به جهت‌باداند.<sup>۲</sup> اینها بسیار متعصب و یکدنده هم هستند و علیرغم بیسوادی (بغیر علم) و بی‌اطلاعی از دین (ولا هدی) و بی‌خبری از کتاب خدا (ولا کتاب منیر) مجادله و ستیزه هم می‌کنند (و من الناس من یجادل فی الله...) و هنگامیکه در بحث و جدل به آنها گفته می‌شود بجای پیروی از اشخاص، رهبران گمراه، افکار پوسیده قدیمی و... از «ما انزل الله» یعنی دستور واقعی و مستقیم خدا در کتابش تبعیت نمائید، بلافاصله موضعگیری کرده پاسخ می‌دهند: «ما از همان اعتقاداتی که پدرانمان را بر آن یافتیم پیروی می‌کنیم» (و اذا قیل لهم اتبعوا ما انزل الله قالوا بل نتبع ما وجدنا علیہ آباءنا) آیه ۲۱.

در برابر این دو طریق گمراهی، در این سوره راه سومی نیز در جهت رستگاری مطرح می‌نماید که همان تسلیم یکسره وجه (هدف‌گیری و جهت‌گیری) بسوی خدا و احسان می‌باشد، این همان ریسمان محکم نجات است که باید به آن چنگ زد (و من یسلم وجهه الی الله و هو محسن فقد استمسک بالعروه الوثقی والی الله عاقبة الامور).

۱. مثل روشن‌فکران غرب زده خودمان که قبل از انقلاب در برابر نهضت اسلامی متوسل به عقاید مارکسیستی یا اومانستی می‌شدند. یا کسانی که در آن ایام قیام، شب‌های شعرخوانی راه می‌انداختند.

۲. حکمت ۱۴۷ نهج البلاغه (خطاب به کمیل) الناس ثلاثة... و همج راع، اتباع کل ناعق، یمیلون مع کل ریح، لم یستضیئوا بنور العلم و...

چنگ زدن به ریسمان خدائی (فقد استمسک بالعروة الوثقی) بجز آیه فوق تنها در آیه الکرسی (سوره بقره) تکرار شده است که از مقابله و مقایسه این دو مورد به نتایج دقیق تری می توان رسید:

بقره آیه ۲۶۶ (آیه الکرسی) لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی فمن یکفر بالطاغوت و یؤمن بالله فقد استمسک بالعروة الوثقی...

لقمان آیه ۲۲ ومن یسلم وجهه الی الله و هو محسن فقد استمسک بالعروة الوثقی...  
 با کمی دقت می توان فهمید که معنای «یسلم وجهه الی الله» که در سوره لقمان آمده، همان «یکفر بالطاغوت» (برسمیت نشناختن طاغوت و انکار او) است و جمله «هو محسن» نیز معادل «ویؤمن بالله» می باشد. نتیجه آن که در برابر دو گروه سابق الذکر که یکی سردمداران مستکبر جامعه (طاغوت) و دیگری پیروان گمراه و مقلد سنت های آباء و اجدادی هستند، این دسته به جای پیروی از سردمداران مستکبر (طاغوتها) و تسلیم به آنها، روی خود را بطرف خدا تسلیم می کنند و بجای بدکاری و ستم، احسان می نمایند.

اما نمونه بارز این انسانهای موحد در سیمای «لقمان» معرفی می شود که مواعظ حکمت بار او را بفرزندش نقل می کند. این مواعظ متشکل از ۱۰ بند است که از توحید (دوری از شرک) شروع می شود و بوظائف فرعی اجتماعی ختم می گردد، جالب این که توصیه شکرگذاری و احسان نسبت به پدر و مادر، که پس توحید مطرح گشته، در این ۱۰ بند از زبان لقمان جاری نگشته، گویا آن حکیم بزرگ شایسته نمی دیده در نصایح به فرزندش در مورد خود سفارشی بکند و به این دلیل این بند را خداوند حکیم در وسط نصایح لقمان پس از توحید اضافه کرده است. ذیلاً موارد دهگانه ذکر می گردد.

۱- توحید (یا بنی لاتشرک بالله ان الشرک لظلم عظیم)

۲- پدر و مادر (و وصینا الانسان بوالدیه...)

۳- حساب و کتاب اعمال (انها ان تک مثقال حبه...)

۴- اقامه صلوة

۵- امر به معروف و نهی از منکر

۶- پایداری در برابر مصائب (ناشی از نهی از منکر) و اصبر علی ما اصابک.

۷- خوشروئی با مردم (ولا تصعر خدک للناس)

۸- تواضع و فروتنی (ولا تمش فی الارض مرحاً)

۹- میانه روی (و اقصد مشیک)

۱۰- ملایمت در گفتار (و اغضض من صوتک).

موارد فوق که تماماً حکمت عملی است، عمدتاً به روابط اجتماعی مربوط می شود (۶) بند آخر) و بکار بستن آنها دقیقاً معنای «شکر» را افاده می کند که درخواست خداوند بی نیاز ستوده از بندگان است. (ولقد اتینا لقمان الحکمة ان اشکر لله و من یشکر فانما یشکر لنفسه و من کفر فان الله غنی حمید)

شکر همان بهره برداری صحیح از نعمت ها و امکانات در مسیری است که منعم مشخص فرموده و «صبر» (واصبر علی ما اصابک) پایداری در برابر سختی های مسیر است. ترکیب این دو کلمه را خداوند در آیه ۳۱ این سوره در تشبیه بحرکت کشتی به نیروی باد یادآور شده است، شکر همان بهره برداری صحیح از نیروی باد در جهت ساحل است که با تغییر و انعطاف بادبان و بمدد قطب نمای کتاب انجام می شود و «صبر» پایداری و مقاومت در برابر امواج سهمگین و طوفانهای در هم شکننده است.<sup>۱</sup>

الم تر ان الفلک تجری فی البحر بنعمت الله لیریکم من آیاته ان فی ذلک لآیات لکل صبار شکور

(آیا کشتی را نمی بینی که به نعمت خدا، به نیروی باد، در دریا حرکت می کند تا نشانه ای از نشانه های خدا را به شما بنمایاند. قطعاً در این موضوع بس نشانه هائی است برای هر پیوسته صبر کننده شکر گذاری).

با توضیحات فوق روشن گردید که موضوع اصلی سوره «مردم شناسی» می باشد، آنچه باید اضافه کنیم معیار و محکی است که مردم با آن شناخته می شوند. این معیار که در آیات متعدد سوره لقمان به کار رفته، چیزی جز «توحید» نیست، توحید در برابر اعتقادات شرک آمیز اعراب که بخدایان متعدد ایمان داشتند. از این نظر سوره لقمان شباهت فراوانی با سوره های ۴ و ۱۳ و ۲۲ و ۴۰ دارد<sup>۲</sup> که در آنها مسائل توحیدی زیربنای اصلی سوره را تشکیل می دهد.<sup>۳</sup>

۱. از جمله نصایح گهربار لقمان یکی هم تشبیه زندگی انسان به حرکت کشتی در دریا است که آیه فوق اصول آن را بیان می کند. این نصیحت چنین است.

پسرم، دنیا دریائی است عمیق که دانشمندان بسیار در آن هلاک شدند، چون چنین است، تو کشتی خود را در این دریا از ایمان بساز، بادبان آن را از توکل و آذوقه اش را از «تقوی» قرار ده. اگر نجات یافتی که برحمت خدا است و اگر غرق شدی بگناهانت شده ای.

۲. شگفت اینکه فاصله این سوره ها با سوره لقمان (۳۱) دقیقاً با ضریب ۹ مشخص گشته است.

۳. به عنوان مثال می توان شباهت سوره لقمان را با سوره حج (۲۲) در آیات ذیل یافت:

عبارت «و من الناس من یجادل فی الله بغیر علم ولا هدی ولا کتاب منیر» عیناً در آیه ۸ سوره حج و آیه ۲۰ سوره

در آیات ثلث سوم سوره که بیشتر به مسائل زیربنائی توحیدی اختصاص یافته ۱۰ نام از اسماء الحسنی ذکر گردیده است که هر کدام بعنوان نتیجه آیه مربوطه، به قسمتی از اعتقادات مشرکین معطوف گردیده است.<sup>۱</sup> این اسماء دهگانه که تماماً با تأکید «ان الله» موکد گردیده عبارتند از:<sup>۲</sup>

آیه (۲۶) ان الله هو الغنی الحمید.

آیه (۲۷) ان الله عزیز حکیم.

آیه (۲۸) ان الله سمیع بصیر.

آیه (۲۹) ان الله بما تعلمون بصیر

آیه (۳۰) ذلک بان الله هو الحق

آیه (۳۰) ذلک و بان الله هو العلی الکبیر

به غیر از اسماء فوق، در سایر آیات این سوره به اسماء دیگری مثل: خبیر (۳ بار) علیم (۲ بار)، لطیف (آگاه بجزئیات بسیار کوچک) برمی خوریم که علم و آگاهی نسبت بتمامی اعمال بندگان را مورد تأکید قرار می دهد. این تأکید در برابر اشاراتی که بنادانی برخی مردم شده (بغیر علم - لیس لک به علم - بل اکثرهم لایعلمون - ما تدری نفس ماذا تکسب غداً و ماتدری نفس بای ارض تموت) معنای خاصی می دهد که از نظر اهل دقت دور نیست.

در برابر «توحید»، موضوع شرک و ناخالصی در دین بکرات در این سوره مورد اشاره قرار گرفته، بخصوص در صدر نصایح لقمان (آیات ۱۳ و ۱۵) این مسئله جایگاه ویژه ای یافته

→ لقمان تکرار شده همچنین عبارت «ذلک بان الله هو الحق و ان ما یدعون من دونه الباطل و ان الله هو العلی الکبیر»

عیناً در آیه ۶۲ حج و ۲۹ لقمان تکرار گشته است. علاوه بر این بسیاری از آیات دیگر این دو سوره یک مضمون

را نشان می دهند مثل:

آیه (۱) سوره حج با (۳۳) سوره لقمان

» (۵) »	» (۲۸) »	حج (۶۴)	با	(۲۶) لقمان	حج (۶۱)	با	(۲۸) لقمان
» (۸) »	» (۶) »	» (۶۳) »	» (۱۰) »	» (۲۶) »	» (۶۴) »	» (۲۶) »	» (۲۶) »
» (۱۳) »	» (۸) »	» (۶۵) »	» (۳۱) »	» (۲۰) »	» (۶۸) »	» (۲۰) »	» (۲۰) »
» (۳۷) »	» (۳) »	» (۶۸) »	» (۲۰) »	» (۳۴) »	» (۷۰) »	» (۳۴) »	» (۳۴) »
» (۴۱) »	» (۱۷) »	» (۶۳) »	» (۱۶) »	» (۱۷) »	» (۷۸) »	» (۱۷) »	» (۱۷) »
» (۶۱) »	» (۲۹) »	» (۶۲) »	» (۳۰) »	» (۳۰) »	» (۳۰) »	» (۳۰) »	» (۳۰) »

۱. آیات فوق تماماً ذیل آیه ۲۵ که در بیان اعتقادات مشرکین است نازل شده (ولئن سألتهم من خلق السموات والارض ليقولن الله...)

۲. اگر ۹ بار تکرار نام جلالت «الله» و ۳ بار «هو» را به ۱۰ نام نیکوی فوق اضافه کنیم جمعاً (در ۵ آیه توحیدی ۲۶ تا ۳۰) ۲۲ بار نام خدا تکرار شده است!

است.

از مهمترین نتایجی که از مسئله توحید حاصل می شود اعتقاد به حساب و کتاب روز قیامت است. مشرکین بدلیل دید محدود دنیائی خویش و عجز بودن و قضاوت فوری، ظرفیت درک زمان بلند مدت آخرت را ندارند. نشانه اش اینست که فقط در گرفتاری ها متوجه خدا می شوند و همینکه نجات یافتند. پیمان شکنی و کفران می کنند (آیه ۳۳). اما بندگان نیکوکار خدا نماز برپا می دارند و زکوة می دهند و به آخرت یقین دارند (آیه ۴) علاوه بر این آیه که در ابتدای سوره آمده، دو آیه انتهائی سوره نیز خطاب به کلیه انسانها مسئله روز قیامت و ساعت را مطرح می سازد.

آیه (۳۳) یا ایها الناس اتقوا ربکم و اخشوا یوماً لایجزی والد عن ولده شیئاً ولا مولود هو جاز عن والده شیئاً ان وعد الله حق فلا تفرنکم الحیوه الدنیا ولا یغرنکم بالله الغرور  
 آیه (۳۴) ان الله عنده علم الساعة و ینزل الغیث و ...  
 علاوه بر آیات فوق آیات ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۶ و ۲۱ و ۲۲ و ۲۴ و ۲۸ به بهشت و جهنم و موضوعات آخرتی مربوط می شود.

### تقسیمات سوره

۱- آیات ۱-۵ (مقدمه) این مقدمه با مقدمه سوره های نمل و بقره مشابهت بسیار نزدیکی داشته و در اکثر کلمات انطباق دارند. با این تفاوت که در بقره روی تقوی تأکید شده (هدی للمتقین) در نمل روی ایمان (هدی و بشری للمومنین) و در لقمان روی احسان (هدی و رحمة للمحسنین). در هر سه سوره روی سه موضوع اقامه صلوة، ایتاء زکوة و یقین به آخرت تأکید شده است.

### ۲- آیات ۶-۱۱ (مستکبران مردم فریب و مؤمنان شایسته کار)

در این قسمت خصوصیات شخصیت های خودخواه و اغواگر جامعه با غذایی که در انتظار آنها است، معرفی شده و در مقابل از بهشت سراسر نعمت مردان ایمان و عمل صالح نیز نام برده است. در دو آیه آخر این قسمت با اشاره به خلقت آسمانها و زمین، وضعیت استقرار کوهها برای آرام کردن زمین، پیدایش انواع جنبندگان، ریزش باران و رویش انواع نباتات و گل های زیبا، توجه مشرکان را به سیر خلقت و تدبیر عالم وجود جلب می کند و اعتقادات آنها را زیر سوال می برد.

۳- آیات ۱۲-۱۹ (نصایح لقمان حکیم)

شرح این قسمت در مقدمه داده شد.

۴- آیات ۲۰-۱۹ (مقلدین)

همچنان که در بند دوم (مستکبران مردم فریب - مقلدین) دیده آنها را متوجه خلقت آسمانها نمود (خلق السموات بغير عمد ترونها...)، در اولین آیه این بخش (مقلدین)، دیده آنها را متوجه تدبیر و «تسخیر» آسمانها و زمین برای انسان می نماید (الم تروا ان الله سخر لكم ما فى السموات و ما فى الارض و اسخغ عليكم نعمه ظاهرة و باطنة...). همانطور که قبلاً گفته شد، این گروه جز تقلید و پیروی از اعتقادات آباء و اجدادی و دنباله‌روی از مستکبران طاغوتی، از خود اراده مستقلی ندارند. در مقابل این گروه کسانی معرفی شده‌اند که یکسره روی خود را بطرف خدا متوجه می سازند و احسان می کنند.

۲ آیه دیگر این بخش خطاب به رسول اکرم با تأکید به آگاه بودن خداوند از اسرار سینه‌ها او را دلداری می دهد تا از کفر آنها محزون نگردد (۲۳) و بداند این بهره دنیائی موقت آنهاست که سرانجامی جز عذاب ندارد (۲۴).

۵- آیات ۲۵ تا ۳۰ (آیات توحیدی)

آیات این بخش که مهمترین قسمت سوره محسوب می گردد، مسئله توحید را از زوایای مختلف مورد نظر قرار می دهد. این آیات بدنبال پرسش و پاسخی از مشرکین قرار گرفته که اعتراف قطعی به خالق بودن «الله» دارند ولی چون علم کافی ندارند ربوبیت و تدبیر او را قبول نمی کنند:

ولئن سألتهم من خلق السموات والارض ليقولنَّ الله قل الحمد لله بل اكثرهم لا يعلمون.

در اولین پاسخ، مالکیت را مختص بخدا می نماید و او را بی نیاز و ستوده از عبادت و حمد بندگان معرفی می نماید.

در دومین پاسخ گستردگی آثار خلقت و کلمات هستی را که تماماً گویای عزت و حکمت خالق آنهاست بیان می کند.

در سومین پاسخ قدرت بی نهایت خدا را بر خلقت و بعثت جمیع انسانها که برای او همانند خلقت و بعثت یک نفس واحده (ساده‌ترین واحد حیاتی) است بیان می کند و علم او را بر جمیع مخلوقات که بدلیل سمیع و بصیر بودنش بر همه چیز احاطه دارد یادآوری

می نماید.

در چهارمین پاسخ، تدبیر دقیق شب و روز را که اختلاف آن موجب پیدایش فصول و حیات و حرکت در روی زمین می گردد، و تسخیر خورشید و ماه را که هر کدام تا سرآمد زمانی خویش در جریان هستند، تذکر می دهد تا انسان بفهمد پروردگاری که چنین مجموعه عظیمی را با نظمی شگفت تدبیر می نماید بر جزئیات اعمال انسان نیز آگاه و خبیر است.

و بالاخره در پنجمین پاسخ تصریح می کند که منحصرأ خدا همان حق است و غیر او هر چه بخوانند باطل است و او همان علی و کبیر است.

۶- آیات ۳۱-۳۴ (جمع بندی و نتیجه گیری)

آیه انتهائی سوره هر کدام محتوی پیام مستقل و مهمی است.

آیه (۳۱) با عنایت بموضوع شکر و صبر که در داستان لقمان مطرح گشته، زندگی انسان را به حرکت کشتی در دریا (به نیروی باد) تشبیه می کند که شرح آن گذشت.

آیه (۳۲) باز هم در قالب مثال کشتی و خطر موج و گرداب، بی صبوری و ناشکری مشرکان را تصویر می نماید.

آیه (۳۳) خطاب به انسانها (یا ایها الناس) آنها را به برگرفتن توشه تقوی در سفر درازی که در پیش دارند توصیه می نماید، همه ناگزیر از این سفزاند و سرانجام به آن خواهند رسید (ان وعد الله حق) اما بدا به حال کسانی که حیات دنیا و سرگرمی های آن او را بفریبد و برای روزی که هیچکس به جای دیگری جزا داده نمی شود توشه ای برنگیرد.

آیه (۳۴) این آیه که پایان بخش آیات سوره لقمان است، از یک طرف به علم خدا نسبت به ساعت قیامت، نزول باران و آنچه در رحمها است اشاره می کند، از طرف دیگر به نادانی انسان نسبت به آینده (کار فردا و مکانی که در آن عمرش به آخر می رسد) و با این جمله سوره را خاتمه می دهد که: «ان الله خبیر علیم».

\* \* \*

### اسماء الحسنی

در این سوره به غیر از نام جلاله «الله» که ۳۲ بار تکرار شده و ۲ بار رب مضاف (ربهم و ربکم) جمعاً ۱۹ نام از اسماء الحسنی بشرح ذیل بکار رفته است: خبیر (۳ بار) - علیم و عزیز و حکیم و غنی و حمید (هر کدام ۲ بار) - لطیف و سمیع و بصیر و حق و علی و کبیر



(هر کدام یکبار).

در ضمن تعداد نام جلاله «الله» نسبت به کلمات سوره بسیار زیاد است. به طوری که به ازای هر ۱۷ کلمه در این سوره یک بار الله بکار رفته است.

### آهنگ انتهائی آیات

از ۳۴ آیه این سوره، ۱۶ آیه آن با حرف «ر»، ۸ آیه با حرف «م»، ۷ آیه با حرف «ن»، ۲ آیه با حرف «د» و بالاخره یک آیه با حرف «ظ» ختم شده است. معمولاً سوره های توحیدی دارای آهنگ انتهائی متفاوتی بوده و به دلیل تنوع اسماء الحسنی لحن و طنین متنوعی پیدا می کنند. مثل سوره های: آل عمران (۳)، انفال (۸)، هود (۱۱)، رعد (۱۳)، ابراهیم (۱۴)، حج (۲۲)، نور (۲۴)، لقمان (۳۲)، سبأ (۳۴) و...

### ارتباط سوره های لقمان و سجده

محور مشترک این دو سوره که با حروف مقطعه «الم» افتتاح می گردند، عکس العمل مردم در برابر کتاب حکیمی است که از جانب رب العالمین برای هدایت مردم نازل شده است. هر دو سوره مکی بوده و در اوج برخورد های اعتقادی با مشرکین نازل شده اند<sup>۱</sup> بنابراین مبانی شرک و توحید از موضوعات مورد بحث این دو سوره می باشد. طبق معمول انکار کافران متوجه احیاء مجدد مردگان در آخرت و تحقق وعده الهی برای رسیدگی به اعمال و کتابی است که بهشت و جهنم و چنین مراحل را انذار می دهد و البته در برابر تکذیب کافران، تصدیق کنندگان بیدار دلی هم بوده اند که از بیم مقام پروردگار وعده های کتاب را باور نمودند.

در سوره لقمان مردم را ۳ دسته می کند:

۱- محسنین - در آیات ۲ تا ۵ و ۸ و ۹ و ۲۲ این دسته را که اهل اقامه صلوة و ایفاء زکوة و یقین آورنده به آخرت هستند بر جاده هدایت و رستگاری معرفی می نماید، و چون اهل ایمان و عمل صالح هستند، وعده بهشت نعیم به آنها می دهد و چون جهت گیری خود را بسوی خدا قرار داده و نیکوکاری می کنند به ریسمان محکمی که بسوی خدا ادامه دارد آنها را متصل می کند و بالاخره مشخصات کاملتر این دسته را در نصایح حکیمانانه لقمان به فرزندش که در ۱۰ بند بیان گردیده (آیات ۱۲ تا ۱۹) سراغ می دهد. در سوره سجده

۱. مطابق جدول کتاب سیر تحول قرآن سوره لقمان در سال ۶ و سوره سجده در سال ۷ بعثت نازل شده اند.

زیباترین توصیف این گروه را در همان آیه واجب السجده کرده است. کسانی که با یادآوری آیات خدا بزمین سجده می افتند و بدون تکبر خدا را حمد می کنند، کسانی که از بیم و امید نسبت به وعده های الهی بستر گرم را رها کرده شبانه به درگاه او دعای رهایی از عذاب و نیل به رستگاری می نمایند و روزها از مال خویش به مستمندان انفاق می کنند. این دسته را بخاطر ایمان و عمل صالح، بهشت جاوید پیشکش می نماید.

۲- در سوره سجده در برابر دسته فوق که آنها را مؤمن نامیده، فقط گروه فاسق (خارج شونده از حدود الهی) را معرفی می کند و بر عدم تساوی سرنوشت آنها با مؤمنین تاکید می نماید (افمن کان مؤمناً کمن کان فاسقاً لایستون) و مشخصاتی که در آیات ۱۰ - ۱۲ - ۱۴ - ۲۰ - ۲۲ از آنها سراغ می دهد، انکار لقای پروردگار، مجرمیت (بریدگی از خدا و خلق)، فراموشی آخرت، فسق، تکذیب عذاب و اعراض از آیات الهی می باشد ولی در سوره لقمان این گروه را به دو دسته سرکردگان کفر و مقلدین تقسیم می نماید: در آیات ۵ و ۶ سرکردگان را کسانی معرفی می نماید که مطالب بی اساسی را در برابر کلام الهی در جامعه مطرح می سازند و به این وسیله دکانی در برابر دین باز کرده و با مسخره کردن وحی و قرآن با تکبر از آن روی می گردانند.

۳- دسته سوم را در آیه ۲۱ کسانی می شمارد که مقلد آباء و اجداد هستند و از خود اراده و شعوری بخرج نمی دهند. اینها بدون آن که علمی داشته باشند، یا بر هدایتی تکیه کرده یا از کتاب روشنی آموزش دیده باشند، با تعلیمات پیامبر مجادله می نمایند. بنابراین یک دسته کسانی هستند که به خاطر برخورداری از منافع نامشروع خود و ادامه استثمار مردم، از مکتب جدید احساس خطر کرده و در برابر آن مانع ایجاد می نمایند و دسته دیگر کسانی که به دلیل تحجر فکری و جهل و نادانی و سنت پرستی، آلت دست گروه اول قرار می گیرند.

انکار هر دو دسته همانطور که گفته شد، در این مجموعه، عمدتاً متوجه احیاء مجدد مردگان و تحقق وعده الهی در آخرت است. جالب اینکه در هر دو سوره بجای بحث های کلامی و فلسفی و ارائه نظریات ذهنی تجریدی، که عادت مدافعان مکاتب الهی در برابر معاندان و منکرین است، از طبیعت محسوس و ملموس و از آسمان و زمین و گردش منظم امور آنها که دلالت بر ناظمی می کند، مثال می آورد.

ذیلاً آیات استشهادی در هر دو سوره را برای توجه و تعمق بیشتر نقل می نمائیم:

- سجده آیه (۳) الله الذی خلق السموات والارض و ما بینهما فی سته ایام ثم استوی علی العرش مالکم من دونه من ولی ولا شفیع افلاتذکرون.
- » (۴) یدبر الامر من السماء الی الارض ثم یرجع الیه فی یوم کان مقداره الف سنه ممّا تعدون
- » (۷) الذی احسن کل شی خلقه و بداء خلق الانسان من طین.
- » (۸) ثم جعل نسله من سلاله من ماء مهین.
- » (۹) ثم سویه و نفخ فیہ من روحه و جعل لکم السمع والابصار والافئده قليلاً ماتشکرون.
- » (۲۷) اولم یروا انا نسوق الماء الی الارض الجرذ فنخرج به زرعاً تأکل منه انعامهم.
- لقمان (۱۰) خلق السموات بغير عمد ترونها والقی فی الارض رواسی ان تمید بکم و بث فیها من کل دابة و انزلنا من السماء ماء فانبثنا فیها من کل زوج کریم.
- » (۱۱) هدا خلق الله فارونی ماذا خلق الذین من دونه بل الظالمون فی ضلال مبین.
- » (۲۰) الم تروا ان الله سخر لکم ما فی السموات والارض واسبغ علیکم نعمه ظاهره و باطنه...
- » (۲۵) ولئن سئلتهم من خلق السموات والارض ليقولنّ الله قل الحمد لله بل اکثرهم لا یعقلون...
- » (۲۶) والله ما فی السموات والارض ان الله هو الغنی الحمید.
- » (۲۷) ولوان ما فی الارض من شجره اقلام و البحر یمده من بعده سبعة ابحر ما نفدت کلمات الله...
- » (۲۸) ما خلقکم ولا بعثکم الا کنفس واحده ان الله سمیع بصیر.
- » (۲۹) الم تر ان الله یولج اللیل فی النهار و یولج النهار فی اللیل و سخر الشمس والقمر کل یرجى لاجل مسمى و ان الله بما تعملون خبیر.
- » (۳۱) الم تر الی الفلک تجرى فی البحر بنعمت الله لیریکم من آیاته ان فی ذلك لآیات لكل صبار شکور.
- همانطور که در آیات هر دو سوره ملاحظه می شود، موضوع خلقت (آسمانها و زمین و همه چیز، از جمله انسان که اتفاقاً در آیه ۲۵ لقمان نشان می دهد مورد انکار مشرکین نبوده)، مهمترین حجت برای ابطال نظریات آنها به حساب آمده است، البته به همراه خلق، مسئله تدبیر و تداوم آن که توأم با حرکت دقیق ماه و خورشید و تناوب شب و روز و فصول سال و

نزول باران و پیدایش انواع گیاهان زیبا و مفید است، مطرح شده تا نشان دهد کار خدا و نقش او تنها در مراحل اولیه خلقت نبوده لایزال رحمتش بر آفریده‌ها سایه افکن می‌باشد. خلقت هر چیز را به نیکوترین وجه قرار داده و موجبات رشد و کمال آن را (زرق مادی و هدایتی) به شکل نعمت‌های بیکران، که هرگز قابل احصاء و شمارش نیست، بی دریغ ارزانی داشته است. در حالیکه هیچیک از نعمت‌های یادآوری شده را شرکائی که مشرکان بدرگاه آنها عبادت می‌کنند و بیم امیدشان به آنها است، به وجود نیاورده‌اند. آیات فوق هم توحید را نشان می‌دهد و هم سرآمد و اجل داشتن پدیده‌های طبیعی را که نشانگر قیامت و آخرت است. از جمله در آیه ۲۷ سوره سجده آبی را که موجب زنده شدن زمین خشک و مرده شده، نشانه‌ای برای اهل بصیرت برای امکان احیاء مجدد مردگان می‌گیرد و هم در آیه ۲۸ سوره لقمان آفرینش اولیه و بعثت بعدی را به سادگی آفرینش ساده‌ترین واحد حیاتی می‌شمارد. این دو سوره در جهات زیادی قابل مقایسه هستند ولی بنظر می‌رسد مهمترین وجوه مشترک میان آنها همین محورهای فوق، بخصوص توجه به طبیعت و آیات تکوینی برای اثبات احیاء مجدد می‌باشد.